شکستن همه قول به اجتهاد قراء در قرائات در کتاب «علم قرائت»

نکته ی دیگری که میخواستم عرض کنم، این است که چند روز این کتاب را برای من آوردند. نام کتاب علم قرائت است که همین امسال چاپ شده است. از اساتیدی است که تخصص در علوم قرآنی دارند و در همین سمینار هم صحبت کردند. من این کتاب را نگاه کردم، فعلاً در فضای کتاب ایشان با اینکه امسال چاپ شده، این است که میگویند آن چه که ملک وحی آورده قطعاً یکی است. این حاکم بر فضای این کتاب است. دوم آن چه که بیشتر رایج و رایج بین مسلمانان بوده، قرائت حفص از عاصم بوده است. علی ای حال من نمیدانم، اگر ایشان شاگرد صاحب التمهید بودند، مانعی ندارد که چنین فضایی را داشته باشند.

اما آن چه که من دیدم و خیلی خوشحال شدم و از صمیم دل از ایشان تشکر کردم، این بود که در این کتاب یک چیزی هست، شما که در این بحث دغدغه داشته باشید و بروید و برگردید و کار بکنید، میبینید سه-چهار بحث است که بر فضای بحث همینهای دارد و با طمطراق گفته میشود و بعد هم تا بیایید جوابش بدهید آن را میگویند و همینه خودش را دارد. یکی از آنها همین است که صاحب جواهر بهصورت قاطع گفتند و دیگران هم گفتند. در البیان هم هست. این است که معلوم است...؛ به تعبیر صاحب جواهر هر کسی نگاه بکند قاطع میشود که این قراء از خودشان اجتهاد میکردند. می گفته که به ذهن من اینطور میآید و آن را می خواندم. شاگردش هم یاد می گرفته. «کانت اختلاف القرائات من اجتهاد القراء». خب در التمهید و در البیان هم هست. خیلی محکم این را میگویند.

اما ایشان برای این بحث، فصلی را باز کردهاند که همینه این بحث را از کتابهای علوم قرآنی کنار زدهاند. گفته اند بین نا و بین الله اینطور نیست که بگوییم قراء اجتهاد میکردند. حاکم بر فضای قراء سماع بوده. و لذا از چیزهای خوبی که دارند اختیار القرائه را توضیح میدادند. میگویند همه این آقایانی که اینطور میگویند از اختیار القرائه، معنای اجتهاد را فهمیدهاند. و حال آنکه اختیار اصطلاح قدیمی است که در آن زمان اصلاً بهمعنای اجتهاد نیست. ظاهراً ایشان قبلا کتابی به نام فقه قرائت نوشته بودند و این هم علم قرائت است. فصلی که دارند، به نام «بررسی تطبیقی استناد اختلاف قرائات به اجتهاد یا سنت» است. این را بهخوبی در کردند. یعنی قرائات استناد به اجتهاد ندارد. این حرف خیلی موجب تشکر است.

شاگرد: خب چطور میگویند که قرائت واحده است؟

استاد: بعد میگویند به سنت هست یا نیست؟ یعنی به سماع هست یا نیست؟ در اینجا همانطور که عرض کردم چون بر کتاب سیطره دارد که قرائت یکی است، تردید میاندازند که حالا چه کار کنیم! اگر به اجتهاد نبود و همه آنها میشنیدند و روایت نبود، خب ما که میگوییم یک قرائت بیشتر نیست! تردیدهایی به این صورت میاندازند که ما باید جداگانه بحث کنیم.

هفته قبل هم بحث یک دلیل بر قرائات مطرح شد؛ هفته قبل شش دلیل ار ذکر کردم؛ تا الآن به چهارده مورد رسیده است که پانزدهم و شانزدهمی آنها هم در ذهنم هست. آن صفحه را دوباره نگاه کنید. برخی هم ذیل آن وجوه دیگری را افاده فرمودید. هر چه هم به ذهن شما می‌آید بفرمایید، اگر هم برخی از آنها تام نباشد، مشکلی ندارد، می‌گوییم خب بحث علمی است. ولی اصل اینکه خود حرفها بیاید خیلی مهم است.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2024 15:01:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 16:51:35 توسط ... .